

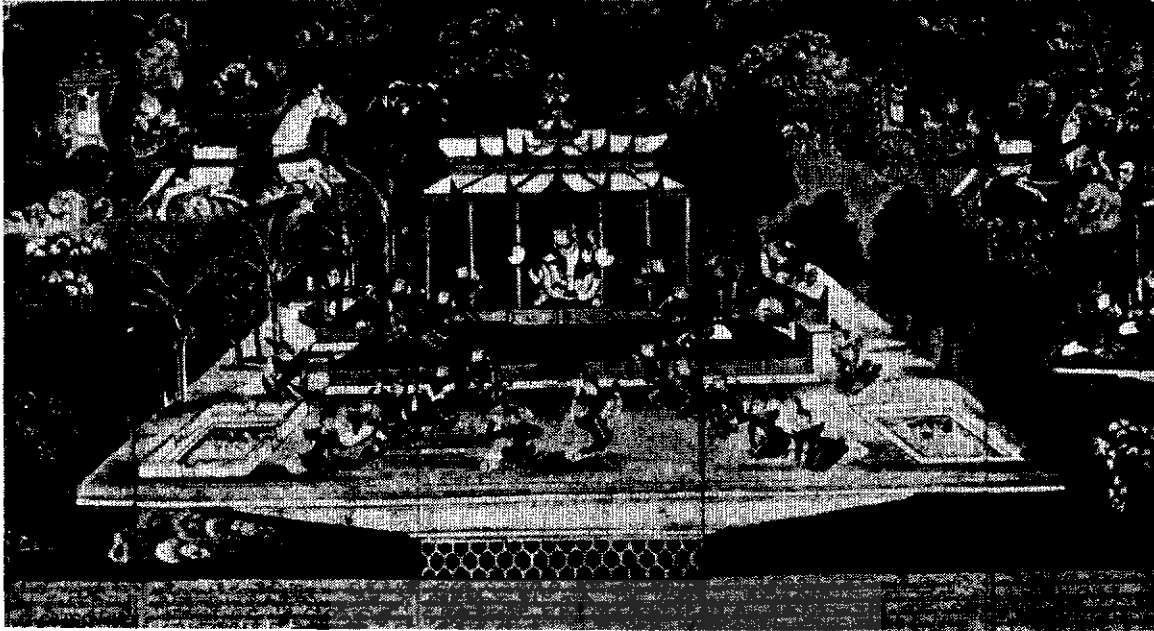
تاریخ نقاشی های آسیا و جلوه های آن

- ۶ -

ترجمه و تلخیص نوین نفیسی
از آلبوم روزه باشه

در شماره گذشته تاریخچه نقاشی در شبه قاره هند را بطور اجمالی دیدیم و یادآور شدیم که این تمدن چند هزارساله، همیشه میان همان مرزهای طبیعی و سیاسی محصور نبوده، و به سایر نقاط آسیا هم رانده شده است. و گفتیم که نفوذ تمدن ایرانی و یونانی در هنر هند چندین قرن ادامه داشت. اکنون بنشر این تمدن در آسیای جنوب شرقی میپردازیم. در طول قرون وسطی، در آسیای جنوب شرقی همیشه تمدن هند بنحو محسوسی جلوه گر بوده است. باین معنی که همانطور که جزایر قیروس، سیسیل و شهر ماری از تمدن یونانی برخوردار بودند، سرزمین های آنام، کامبوج، جزایر سیلان، جاوه، سوماترا نیز مستعمره هنری هند محسوب میشدند؛ و این نفوذ در هنر حجاری و مجسمه سازی بیش از سایر هنرها مشهود است که متأسفانه در مبحث این سلسله مقالات نیست.

برمه - آیین بودایی که در ساحل رود کنگ بوجود آمد، بزودی بجانب مشرق پیش رفت و سرزمین برمه که در مقابل بنگال قرار دارد آنرا در قرن هفتم میلادی پذیرفت و در همان راهی که بازرگانان برای تجارت بین هند و چین انتخاب کرده بودند خردمندان و مردان مذهبی بودایی نیز به پیش رفتند. هر کجا که می رسیدند همان اعتقادات و هنری را که در هند و چین کسب کرده بودند میان مردم بومی ترویج میدادند. تصویر شماره یک از زیباترین نمونه های این نوع هنر است که در برمه ساخته شده و تاکنون برجای مانده است. اندونزی - جاوه سوماترا که با مجموعه جزایر پراکنده ی



برمه - قرن هفدهم - موزه‌ی گیمه‌ی پاریس

است. هنرمندان جوان آن از ترکیب تکنیک نقاشی اروپایی و موضوع‌های بومی ساخته‌های جالبی بوجود آوردند. تصویر ۳ و تصویر ۴ از یک پرده نقاشی است بهمین سبک، که در قرن هفدهم در سرزمین سیام ساخته شده است.

هندوچین - این شبه جزیره آنطوریکه نام آن میگوید سرزمینی نیست که ملل چینی و هندی در آنجا بایکدیگر پیوسته باشند، بلکه اقوام مختلفی از شمال و جنوب و جزایر گوناگون اقیانوس هند در ادوار مختلف با آنجا روی آورده‌اند، و بر سر تصاحب قطعه زمینی بایکدیگر جنگیده‌اند، ولی غالب و مغلوب با وفاداری تمام سنن تژادی خود را دنبال میکردند. هنر آنها که وابسته بیک مذهب نامحسوس است محلی برای تفنن و تصور باقی نمیگذاشت و سالهای سال همان سمبول‌ها، همان موضوع‌ها و همان اشکال و همان خصوصیات را بر هنرمندان تحمیل میکرد. در این سرزمین مانند هند ویاچین، سلسله و سلاطینی که بانی ویا پشتیبان سبک معینی باشند و باعث تکامل آن گردند وجود نداشت. نه مکتب هنری و نه طبقه هنرمندان تشخیص داده میشود. نقاشان افراد منفردی بودند که فقط ذوق شخصی، محرک اصلی آنها بود و تاحدی مانند مردان فرزانه‌ای بودند که بخاطر پول و کسب شهرت کار نمیکردند و بدون توجه به تغییرات سیاسی کمتر در فکر ایجاد نو بودند، و همیشه از همان قوانین باستانی پیروی میکردند. پرسپکتیو خاصی داشتند بدین معنی که شخصی یاشئی که فاصله آن با چشم بیشتر بود کوچکتر رسم میکردند. حرکات انسان و حیوان

دیگر کشور اندونزی را تشکیل میدهند از باستانی‌ترین ادوار، در یانوردان آسیایی را بخود جلب کرده‌است. در قرن ششم میلادی امپراطوری بزرگی زیر نفوذ سیاسی و معنوی هند در جزیره سوماترا تشکیل شد که از مراکز مقتدر ترویج آیین بودایی بود. سبک هنری گریتا که خود تحت نفوذ ساسانی بود در آنجا رواج داده شد. حجاری‌های زیبای معابد، و مجسمه‌های مفرغی سبزرنگی که برجای مانده گویاترین مدرک است.

ناتورسیم هندی بزودی در آنجا ریشه گرفت و سبک نقاشی آنها مانند سبک آجاتنا، انسانی و لطیف گردید. اشکال بلند و کشیده‌تر، و صورت‌های اشخاص که بیان‌کننده افکار آستره است بصورت استیلیزه درآمد. مناظر انبوه و مترکم‌تر گردید، و بصورت توده گیاههای گرمسیری درهم فرورفته درآمد. زیرا اهالی این سرزمین‌های جنگلی از خلاء نفرت بسیار دارند. در قرن سیزدهم نقاشان، عوامل و موضوع‌های عامیانه‌را وارد نقاشی کردند. ولی در قرن پانزدهم که مسلمانان باین سرزمین وارد شدند چون تصویرسازی را حرام میدانستند، طبعاً هنرمندان را بسوی سمبولسیم راندند. اما چون سمبولسیم باغرایز اهالی جاوه مطابقت نداشت، کم‌کم باعث انحطاط هنر طراحی آنها گردید. از قرن هفدهم که هلندیها وارد این سرزمین شدند، هنرمندان محلی را با سبک نقاشی اروپایی آشنا کردند. خصوصاً در جزیره بالی که اهالی آن شاد و هنردوست میباشند و روح قدیمی اندونزی در آنجا بهتر حفظ شده



اندونزی - قرن چهاردهم -
موزه گیمله‌ی پاریس



اندونزی - کارهنرمندان معاصر

بالا : عزیمت - سیام - قرن هفدهم -
موزهی گیمه پاریس

پائین : هندوچین - قرن هیجدهم



و گیاه و آبرا بطرز بسیار اغراق آمیزی نشان میدادند .
بعد از قرن چهاردهم زیر نفوذ چین ، طبیعت سازی
اهمیت بسیاری پیدا کرد ، و ناحیه کامبوج از مراکز هنری
مهم گردید . نژاد خمر که نازه در این سرزمین مستقر شده
بودند مدت شش قرن حجاربهائی زیبایی بوجود آوردند که
مدیون هند میباشدند و پاره ای از آنها بسیار خوب محافظت
شده است .

در جنوب شبه جزیره که بیشتر ساکنین آن از نژاد آنامی
هستند و نواحی که امروز کشور ویت نام خوانده میشود وضع
دیگری بود . این مردمان چندبار در اولین قرن های میلادی
وبار دیگر در قرن چهاردهم مغلوب چینی ها شدند ولی هرگز
اجازه ندادند تمدن خود را که ریشه هندی و اندونزی داشت
مغذوب تمدن چینی گردد . و این از مشخصات بارز هنر ویت نام
است فقط در ناحیه تونکین هنر چینی حتی بهتر از خود چین
محفوظ مانده است . نقاشان نسل به نسل آنقدر به تقلید از
کارهای اصلی پرداختند که اکنون از آنچه که بما رسیده است
تشخیص کار اصلی نقاشان چین و تقلید کار آنها بسیار دشوار
است . بعضی از مورخین تاریخ هنر ، عقیده دارند که در ویت نام
هنر نقاشی منحصر به تقلید از کارهای قدیمی است .



هندوچین - هنرمندان معاصر

صورت سازی چندان مرسوم نبود و بیشتر به منظره سازی میپرداختند. نقاشی که کاملاً جنبه تزئینی داشت از سنن بودایی الهام میگرفت و برای تزئین داخل لعاب و پارنگ آمیزی حجاریها بکار میرفت.

از قرن نوزدهم ساخته‌های زیادی باقی مانده است که اغلب از موضوع‌های مذهبی و تاریخی الهام گرفته است. هنگامیکه در اوایل قرن گذشته فرانسویان باین سرزمین وارد شدند، در شهر هانویی مدرسه هنرهای زیبا تأسیس کردند و کوشیدند که عوامل نقاشی - حجاری و معماری اروپایی را بچوانان این سرزمین بیاموزند. ولی بعد از چندی و بکثرت ناردیو مدیر خردمند این مؤسسه تصمیم شگفتی اتخاذ کرد و بدانشجویان خود گفت که فقط از تخیلات خود پیروی کنند. در نتیجه پس از ده سال کوشش، يك کانون هنری بوجود آمد که فارغ التحصیلان آن باتکنیک جدید ساخته‌هایی بوجود آوردند که سنن و رسوم آسیایی در آن کاملاً حفظ شده است. بچرات میتوان گفت که در هیچ کشور آسیایی باندازه‌ی ویت نام نتوانسته‌اند از ترکیب روح کنجکاو و آسیایی، روش جدید نقاشی، ساخته‌های جالبی بوجود آورند. باید گفت که بیشتر آنها مدیون همین مدرسه است (تصویر - ۶ و ۷).

هندوچین - هنرمندان معاصر

